

تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی

حاکم قاسمی*

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

رقابت‌های تمدنی بین تمدن‌های بزرگ در عرصه جهانی، در شرایطی که جامعه بشری با بحران‌های سترگ و بنیادی روبه‌روست، جهان اسلام را در مرحله گذار قرار داده است؛ مرحله‌ای که در آن، صاحبان هر تمدنی با فائق آمدن بر این بحران‌ها و ارائه طریق برای جامعه بشری، می‌توانند از آن به‌سلامت گذر کنند و تمدن نوینی را سامان دهند و به جامعه بشری عرضه نمایند. از این نظر، جهان اسلام در وضع کنونی در مرحله پیشاتمدن نوین اسلامی قرار دارد و در صورتی که با سلامت از این مرحله گذر کند، می‌تواند تمدن نوینی را به جامعه بشری ارائه نماید. از این رو، شناسایی دقیق وضعیت کنونی جهان اسلام و توصیف دقیق عوامل مؤثر بر رقابت‌های تمدنی بین جهان اسلام و تمدن‌های رقیب، می‌تواند زمینه را برای تسهیل گذر از وضع کنونی به مرحله تمدن نوین اسلامی هموار سازد. در این مقاله با کار بست روش سوات^۱ سعی می‌شود تا از یک سو نقاط قوت و ضعف جهان اسلام، و از سوی دیگر فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی آن در مواجهه با رقبا، برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی توصیف گردد. پس از توصیف دقیق وضع موجود، با تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رقابت‌های تمدنی، وضعیت تمدن اسلامی در مرحله پیشاتمدن نوین اسلامی تبیین و راهبردهای گذر از مرحله کنونی به مرحله تمدن نوین اسلامی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: جهان اسلام، تمدن نوین اسلامی، رقابت‌های تمدنی، آینده تمدن اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تمدن نوین اسلامی تصویری از آینده تمدنی، و تمدنی است که در آینده احتمال وقوع دارد. این تصویر تمدنی، برای قائلان به تمدن نوین اسلامی به منزله تصویری از آینده تمدنی مطلوب شناخته می‌شود. از این رو، تلاش برای ایجاد تمدنی منطبق با این تصویر تمدنی و ایجاد تمدن نوین اسلامی، به عنوان تمدنی مطلوب، تلاشی هدفمند و معطوف به آینده است؛ آینده‌ای که نه در کوتاه مدت، بلکه در یک دوره زمانی طولانی و بلندمدت امکان تحقق می‌یابد. بر این اساس، تلاش‌هایی که برای ساختن تمدن نوین اسلامی صورت می‌گیرد، نه در زمان شکل‌گیری و ظهور این تمدن، بلکه در دوره پیش از ظهور تمدن نوین اسلامی و در مرحله پیشاتمدنی اتفاق می‌افتد.

از سوی دیگر، این تلاش‌ها در خلأ یا در مسیری هموار و بی‌مانع صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در محیط و فضایی متأثر از عوامل مختلف، و در شرایط پیچیده و در مسیری پرمناغ و با رقاباتی قدرتمند اتفاق می‌افتد. رویارویی با رقاباتی قدرتمند در محیط پیچیده و مسیری پرمناغ، رقابت‌های سخت و سنگینی را بین حامیان و طرفداران هریک از تصویرهای تمدنی شکل داده است. حامیان و طرفداران تصویر تمدن نوین اسلامی، در گیرودار این رقابت تمدنی می‌کوشند تا تمدن مطلوب خود را شکل دهند و به جهانیان عرضه کنند. تلاش و رقابت حامیان هریک از تصویرهای تمدنی برای شکل دادن تمدن مطلوب خود، در شرایطی است که جامعه بشری با بحران‌های سترگ و بنیادی روبه‌روست. در این شرایط، آنچه می‌تواند در به‌ثمر نشستن تلاش‌هایی که برای تمدن‌سازی صورت می‌گیرد، مؤثر و مثمر باشد، ارائه راهی برای حل بحران‌های بنیادی و غلبه بر آنها برای نجات انسان‌ها از وضعیت بحرانی و تأمین سعادت نوع بشر است. از این روست که طرفداران هریک از تصویرهای تمدنی، مدعی و مصرند که تمدن مطلوب موردنظر آنهاست که می‌تواند بحران‌های بنیادی پیش‌روی نوع بشر را حل کند و انسان‌ها را از بحران برهاند و به سعادت برساند. این وضعیت، موجب شکل‌گیری رقابتی تمدنی بین طرفداران تمدن‌های مختلف شده است. با غلبه بر رقبا و با گذر موفقیت‌آمیز از این وضعیت است که می‌توان به وضعیت تمدنی مطلوب خود دست یافت.

در شرایطی که حامیان و طرفداران تمدن نوین اسلامی در جهان اسلام و حتی در سراسر جهان، در رویارویی با تمدن‌های رقیب می‌کوشند تا از مرحله رقابت گذر کنند و به مرحله شکل‌گیری و ظهور تمدن نوین اسلامی برسند، وضعیت و دوره‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آن را دوره گذار تمدنی نامید؛ دوره گذار از وضع تمدنی موجود، به وضع تمدنی مطلوب. از این منظر، جهان اسلام و تلاش‌هایی که برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی صورت می‌گیرد، در مرحله پیشاتمدن نوین اسلامی و در دوره گذار قرار دارند. در این مرحله، صاحبان و طرفداران هر تصویر تمدنی می‌کوشند با فائق آمدن بر مشکلات و بحران‌ها و ارائه طریق برای جامعه بشری،

از دوره گذار به سلامت عبور کنند و به دوره تمدن سازی وارد شوند و تمدن نوینی را سامان دهند و به جامعه بشری عرضه کنند. اینکه جهان اسلام و طرفداران تمدن نوین اسلامی چگونه می توانند از این دوره به سلامت عبور کنند و به دوره تمدن سازی و شکل دادن تمدن مطلوب خود وارد شوند، نیازمند کسب شناخت دقیق از وضعیت موجود و محیط کنونی است؛ اینکه بدانیم چه وضعیتی داریم، در چه محیطی به سر می بریم و در چه موضعی ایستاده ایم. پاسخ به این پرسش ها، به ما کمک می کند تا با شناخت از وضعیتی که در آن قرار داریم، دست به تصمیم و اقدام مناسب در جهت ساختن تمدن مطلوب بزنیم. از این رو، شناسایی دقیق وضعیت کنونی جهان اسلام و محیطی که در آن به سر می بریم، و شناسایی و توصیف دقیق عوامل مؤثر بر رقابت های تمدنی بین جهان اسلام و تمدن های رقیب، می تواند زمینه را برای تسهیل گذر از وضع کنونی به وضع مطلوب و مرحله تمدن نوین اسلامی هموار سازد. پرسشی که این مقاله مطرح می کند، این است: جهان اسلام در مرحله گذر از وضع موجود به مرحله شکل گیری تمدن نوین اسلامی، چه وضعیتی دارد؟ قوت ها و ضعف های آن در راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی چیست؟ و در این راه با چه فرصت ها و تهدیدهایی مواجه است؟

در این مقاله، جهان اسلام به عنوان مجموعه ای یکپارچه در نظر گرفته شده است. فرض بر این است که تمدن نوین اسلامی، از درون این مجموعه شکل می گیرد؛ رشد می کند و در محیط بیرون از جهان اسلام ظهور و بروز می یابد و تأثیرات خود را برجای می گذارد. برای شناسایی قوت ها و ضعف های این مجموعه، و معرفی فرصت ها و تهدیدهایی که بر سر راه آن (شکل دادن تمدن نوین اسلامی) وجود دارد، از روش و چهارچوب مفهومی سوات^۲ استفاده می گردد و سعی می شود از یک سو با نگاه به درون مجموعه جهان اسلام، نقاط قوت و ضعف این مجموعه برای ایجاد تمدن نوین شناسایی شود؛ و از سوی دیگر، با توجه به شرایط محیطی جهان اسلام، تلاش می شود فرصت ها و تهدیدهای پیش رو در مواجهه با رقبا و برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی توصیف گردد. پس از توصیف دقیق وضع موجود، با تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رقابت های تمدنی، وضعیت تمدن اسلامی در مرحله پیشاتمدن نوین اسلامی تبیین می شود و متناسب با آن، راهکارهای گذر از مرحله کنونی به مرحله تمدن نوین اسلامی پیشنهاد می گردد. مطالعه وضعیت موجود نشان می دهد که جهان اسلام نقاط قوت بسیاری برای تمدن سازی دارد؛ در عین حال، گرفتار نقاط ضعف متعددی نیز می باشد. از سوی دیگر، مطالعه محیطی که در آن برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی تلاش می شود، حاکی است در این محیط، فرصت های فراوانی برای ایجاد این نوع از تمدن وجود دارد؛ اما در عین حال، تهدیدهای مختلفی نیز بر سر راه فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی خودنمایی می کند. راه گذر از مرحله کنونی به عنوان مرحله

گذار از وضع موجود به وضع تمدن نوین اسلامی، استفاده از نقاط قوت و غلبه بر ضعف‌ها، و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و خنثی‌سازی تهدیدهای محیطی است.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱- تمدن

در فرهنگ لغت دهخدا، تمدن به معنای شهرنشینی است (دهخدا، ج ۴: ص ۶۱۰۹). در فرهنگ فارسی معین (۱۳۷۸، ج ۱: ص ۱۱۳۹) تمدن، «شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خوگر شدن، و همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی، و غیره» تعریف شده است. شهرنشینی، به معنای اجتماع انسانی در یک منطقه، که با مدنیت (به معنای وجود قوانین و هدایت مدیریت جامعه بر مبنای قوانین) همراه است. در زبان عربی، واژه «الحضاره» به معنای تمدن است و در انگلیسی واژه Civilization، که آن هم به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (عسگری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۸: ص ۲۰۸). براین اساس، تمدن را معادل اجتماعی شدن انسان و ایجاد نظم و قانون می‌دانند. «تمدن، اجتماعی شدن انسان است. وقتی فرهنگ عمومی به میزانی از رشد برسد، فکر شهرنشینی به وجود می‌آید که لازمه آن، پذیرش نظم اجتماعی است. انسان برای گام نهادن در شاهره نهاده شدن امور اجتماعی، نیازمند نظم و قانون است؛ و قانون هم نیازمند حکومت و حاکم» (فیضی‌پور، ۱۳۸۶: ص ۳۰).

ویل دورانت می‌نویسد: «تمدن را در شکل کلی آن می‌توان عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» (دورانت، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۵). ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان تعریف می‌کند. از نظر او، جامعه با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر می‌شود و حکومت تشکیل می‌دهد تا با ایفای نقش یک ناظر قدرتمند، زندگی را از حالت فردی به سوی زندگی جمعی و شهرنشینی هدایت کند و از این طریق موجب تکامل جامعه شود (ابن خلدون، ۱۳۷۵). از نظر ابن خلدون، هر آنچه موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی شود، نظیر علم، هنر و مانند اینها، دارای ویژگی «مدنیت» است (عروتی موفق، ۱۳۸۵). در تاریخ اسلام نیز پس از آنکه پیامبر اکرم از مکه به یثرب هجرت کرد، در این شهر حاکمیت، قانون و نظمی جدید ایجاد شد. از این رو، این شهر مدینه‌النبی نام گرفت. این نام، در عصر جاهلیت بازتاب‌دهنده مدنیتی است که با حاکم شدن اسلام شکل گرفت و پایه‌گذار تمدن اسلامی گردید.

برخی نویسندگان با اتکا به تاریخ جدید تمدن بشری، آن را پدیده‌ای جدید می‌دانند. پهلوان می‌نویسد:

مفهوم تمدن به صورت مفرد، مربوط به قرن هجدهم است که در برابر مفهوم بربریت به کار برده می‌شد و منظور، تمدن اروپایی بود که میزان تمدن بقیه ملت‌ها را با آن می‌سنجیدند؛ اما در

همان دوران، عده‌ای مفهوم تمدن را به صورت جمع به کار می‌بردند که به معنای پذیرش تمدن‌های مختلف در جهان و به این معنا بود که تمدن غربی، تمدن یگانه و آرمانی نیست (پهلوان، ۱۳۸۸: ص ۴۶۵).

در طول تاریخ، تمدن‌های مختلفی شکل گرفته و رشد کرده‌اند که برخی از آنها باقی مانده و برخی نابود شده‌اند. در فرهنگ علوم اجتماعی هم آمده است: «تمدن، مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر است» (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ص ۴۷). در تعریفی دیگر:

تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی، که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک یا چند جامعه که باهم ارتباط دارند، رایج است؛ مثل تمدن اسلامی یا تمدن غربی، که هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ص ۴۹).
باتوجه به تعاریف مختلف، تمدن به معنای مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی است که شیوه و سبک زندگی انسان‌های مستقر در یک منطقه جغرافیایی را شکل می‌دهد که به صورت اجتماعی و با وابستگی متقابل به یکدیگر زندگی می‌کنند. زندگی این مجموعه انسانی، بر مجموعه‌ای از اصول اعتقادی استوار است و قواعد و قوانین خاص خود را دارد و نظامات اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... منحصر به خود و متفاوتی ایجاد می‌کند؛ از این رو، شیوه و سبک زندگی خاصی را شکل می‌دهد و دستاوردهای معنوی (مانند اخلاقیات، آداب، سنن، قوانین، و انواع هنرها) و مادی (مانند صنعت، فناوری، ساختمان‌ها و بناهای مختلف) به جامعه بشری عرضه می‌کند.

۱-۲- تمدن اسلامی

باتوجه به تعریف تمدن، تمدن اسلامی به اجتماعی از ملل مسلمان اشاره دارد که در محدوده وسیعی از جهان استقرار یافته و مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی را شکل داده‌اند که شیوه و سبک زندگی متمایزی را تشکیل می‌دهد. زندگی این مجموعه انسانی بر مجموعه‌ای از اصول اعتقادی اسلامی استوار است و قواعد و قوانین اسلامی را دارد و نظامات اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... منبعث از اسلام را ایجاد می‌کند؛ از این رو شاخصه‌هایی دارد که آن را از تمدن‌های دیگر متمایز می‌سازد (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ص ۹۰). این تمدن، شیوه و سبک زندگی اسلامی را شکل می‌دهد و دستاوردهای معنوی (مانند اخلاقیات، آداب، سنن، قوانین، و انواع هنرهای اسلامی) و دستاوردهای مادی (مانند صنعت، فناوری، ساختمان‌ها و بناهای مختلف، که حاصل کار دانشمندان، صنعتگران، هنرمندان، و افرادی معتقد به اسلام

است)، به جامعه بشری عرضه می‌کند. تمدن اسلامی، بعد از بعثت پیامبر اکرم شکل گرفت و به تدریج گسترش یافت. بعد از رحلت آن حضرت و خلافت خلفای راشدین، حاکمیت خلفای اموی و عباسی تمدن اسلامی را تحت تأثیر قرار داد و موجب شد از برخی مبانی اعتقادی و اخلاقی دین اسلام فاصله گرفته شود. با این همه، نظاماتی که شکل گرفت، به ظهور تمدنی انجامید که قواعد و نظام‌های اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی خاص خود را ایجاد کرد و به یکی از تمدن‌های مسلط و قدرتمند جهان تبدیل شد.

تمدن اسلامی دوره‌های تاریخی مختلفی را پشت سر گذاشت و تا سال‌های پیش از ظهور مدرنیته و تمدن جدید غربی، به اوج رسید و دوران طلایی خود را شکل داد. با ظهور مدرنیته که به خروج تمدن غربی از قرون وسطی انجامید- رقیب تمدنی قدرتمندی در کنار تمدن اسلامی سربرآورد. از این دوره، تمدن اسلامی از عصر طلایی خود فاصله گرفت و به تدریج بسیاری از امور و حوزه‌ها در حوزه تمدن اسلامی تحت تأثیر تمدن غربی قرار گرفت. از سوی دیگر، با اعمال سیاست‌های استعماری قدرت‌های غربی، تمدن غربی به تدریج در مناطق مختلف از جمله در جهان اسلام رواج پیدا کرد. در این دوران، رقابت تمدنی بین تمدن اسلامی و تمدن غربی به منصفه ظهور می‌رسد.

۱-۳- تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی، نه عین همان تمدن اسلامی است که پایه‌های آن در زمان پیامبر اکرم گذاشته شد و تا زمان کنونی ادامه یافته است و نه تمدنی کاملاً متفاوت با آن است؛ بلکه تمدنی است که ریشه‌های خود را از اسلام و تمدن اسلامی می‌گیرد، اما از ابعاد جدید و نوظهور، متناسب با تغییرات و تحولات جامعه بشری نیز برخوردار است. شاخص‌هایی مانند «محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر، و همین‌طور ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری» (همان: ص ۱۰۵)، از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی است. این تمدن، ضمن پاک شدن از آرایه‌ها و کژی‌هایی که پس از پیامبر اکرم، به‌ویژه از دوران خلفای اموی و عباسی و پس از آنها ایجاد شد، در شرایط جدید و نوظهور توان تطبیق با شرایط نوین و پاسخگویی به تقاضاها و نیازهای مادی و معنوی بشری را دارد. «لایه‌های درونی تمدن نوین اسلامی، بر بنیادهای فکری و اعتقادی اسلام، در عین اهتمام به سازگاری آن با شرایط و مقتضیات زمان و مکان، استوار است» (دهشیری، ۱۳۹۴: ص ۹۵). تمدن اسلامی که سابقه‌ای بیش از ۱۴۰۰ سال دارد، بنیان تمدنی قدرتمندی ایجاد کرده که موجب شده است این تمدن همچنان به عنوان یک تمدن زنده و پویا باقی بماند. با اتکا به این پیشینه می‌توان تمدنی نوین را شکل داد که منطبق با شرایط جدید جامعه بشری باشد. در جهان کنونی، تمدن اسلامی

و تمدن غربی دو تمدن زنده و پویایند که همچنان حیات دارند و با جهت‌گیری به‌سوی اهداف و جامعه آرمانی موردنظر خود، تلاش می‌کنند. حوزه تمدنی اسلام و تمدن غرب، جغرافیای وسیعی را دربرمی‌گیرند و جمعیت فراوانی دارند. در حوزه تمدنی اسلام، اکثریت جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون نفرند؛ و در حوزه تمدن غربی، مسیحیان دارای اکثریت‌اند که بیش از دو میلیارد نفر برآورد شده‌اند. این دو تمدن، دستاوردهای مادی و معنوی فراوان و عظیمی به جامعه بشری ارائه کرده و هریک نظامات اجتماعی و فرهنگ خاص خود را به‌بار آورده‌اند. این دو تمدن در رقابت با یکدیگر می‌کوشند تا سبک زندگی، نظامات اجتماعی و فرهنگ خاص خود را گسترش دهند و ترویج کنند. بازیگران و عاملان این رقابت تمدنی، حاملان و حامیان هریک از این تمدن‌هایند که می‌کوشند تمدن خود را در موقعیت و موضع تمدن مسلط قرار دهند و به جامعه آرمانی خود جامه عمل بپوشانند.

در چنین شرایطی، باتوجه‌به تغییرات و تحولات گسترده در حوزه‌های مختلف، وضعیت جدیدی نسبت به گذشته بروز کرده که تمدن اسلامی را با شرایط جدیدی روبه‌رو ساخته است؛ شرایطی که در آن نیازها و تقاضاهای جدید، مسائل و مشکلات جدید، و درعین حال ابزارها و امکانات تازه و مدرن ظهور کرده است. ازاین‌رو، بازتولید دستاوردهای مادی و معنوی که ضعف‌ها و کاستی‌های گذشته را نداشته باشد و درعین حال پاسخگو و تأمین‌کننده نیازها در شرایط جدید باشد- ضروری است. براین‌اساس تمدن اسلامی نیاز به انطباق با شرایط جدید دارد. این انطباق به‌معنای فاصله گرفتن و جدا شدن از تمدن اسلامی نیست؛ بلکه بنا کردن تمدنی با استفاده از دستاوردهای مادی و معنوی تمدن اسلامی و مبتنی بر پایه‌ها و بنیادهای مستحکم تمدن اسلامی است؛ به‌گونه‌ای که توان پاسخگویی به نیازها و مسائل جدید بشری را داشته باشد و بتواند نظامات اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... منبعث از اسلام را متناسب و منطبق با شرایط جدید ایجاد کند. این تمدن که بر پایه‌ها و بنیادهایی مانند «دین‌باوری امت‌مدار، اخلاق‌مداری، خردباوری، تمدن‌اندیشی، خودباوری، غرب‌پژوهی و تکرپذیری وحدت‌گرا» استوار است (همان: ص ۱۰۱-۹۵)، می‌تواند شیوه و سبک زندگی اسلامی را در جهان کنونی به جامعه بشری عرضه کند. چنین تمدنی که پایه‌های خود را بر تمدن ریشه‌دار اسلامی استوار کرده و منطبق با شرایط جدید آنها را به‌کار می‌گیرد و نظامات خاص خود را برای اداره جامعه و تأمین سعادت مادی و معنوی نوع بشر شکل می‌دهد، تمدن نوین اسلامی شناخته می‌شود.

۱-۴- مرحله گذار تمدنی

مرحله گذار به مرحله‌ای اشاره دارد که زمینه‌ها و شرایط انتقال از وضعیتی به وضعیت جدید فراهم می‌گردد و طی آن، به‌تدریج وضعیت موجود پشت‌سر گذاشته می‌شود و وضعیتی جدید

ظهور می‌کند. در این مقاله، مراد از مرحله گذار تمدنی، مرحله‌ای است که در آن امکان خروج یک تمدن از وضعیتی که دارد به وضعیتی جدید، ایجاد شده است. البته وضعیت جدیدی که شکل می‌گیرد، لزوماً بهتر از گذشته نیست؛ گاهی ممکن است تمدنی از وضعیتی که دارد، به وضعیتی بهتر وارد شود؛ گاهی نیز ممکن است از وضعیتی خارج گردد و به وضعیتی بدتر از گذشته و حتی حذف و انحطاط وارد شود. این خلدون تمدن‌ها را به موجودات زنده‌ای تشبیه می‌کند که متولد می‌شوند؛ رشد می‌کنند؛ به اوج می‌رسند؛ به تدریج ضعف و سکون پیدا می‌کنند و سپس می‌میرند و از میان می‌روند. براساس این چرخه، تمدن‌ها بعد از دوران اوج، رو به افول می‌گذارند؛ یعنی از وضعیتی بهتر، به سمت وضعیتی بدتر سیر می‌کنند.

تمدن اسلامی تا قرن نهم هجری شمسی (قرن شانزدهم میلادی)، دوران اوج و طلایی خود را سپری می‌کرد؛ درحالی‌که تمدن غربی گرفتار در قرون وسطی، در دوران ضعف و افول به سر می‌برد. البته این به معنای آن نبود که تمدن اسلامی کاملاً منطبق با آنچه پیامبر اکرم براساس رسالتش ابلاغ کرده بود، شکل گرفت. تمدن اسلامی بعد از دوره اولیه تاریخ اسلام، شاهد برخی تغییرات و دگرگونی‌ها در برخی حوزه‌ها، ازجمله شیوه حکومت بود که موجب فاصله گرفتن آن از اسلامی شد که پیامبر اکرم (ص) ابلاغ کرده بود؛ با این همه، به عنوان تمدن اسلامی رشد کرد و به اوج رسید. با شکل‌گیری تمدن مدرن غربی، به تدریج تمدن غربی احیا شد و به سمت وضعیتی بهتر گذر کرد؛ حال آنکه تمدن اسلامی از عصر طلایی خود فاصله گرفت و به تدریج ضعیف شد؛ تا جایی که در برخی از حوزه‌ها، ازجمله در حوزه علم و فناوری و شکل دادن نظامات اجتماعی متناسب با شرایط جدید، تحت نفوذ و سیطره تمدن غربی قرار گرفت. از قرن نوزدهم میلادی با شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی و فرایند بازگشت به خویشتن در جهان اسلام، تلاش‌ها برای بازیابی قدرت و اعتبار تمدن اسلامی و تبدیل کردن آن به تمدنی تأثیرگذار در زندگی اجتماعی ملت‌ها در شرایط نوین جهانی آغاز شد. بنابراین، به تدریج وضعیتی شکل گرفت که نه مترادف و مساوی با دوران اوج و طلایی تمدن اسلامی بود و نه به سمت افول و انحطاط تمدن اسلامی پیش می‌رفت. در این مرحله، وضعیتی شکل گرفت که در آن مسیر روبه انحطاط تمدن اسلامی بسته شد و برعکس، تلاش برای شکل دادن تمدن اسلامی منطبق با شرایط جدید آغاز گردید. این وضعیت، امید به بازآفرینی تمدن اسلامی و شکل دادن تمدن نوین اسلامی را که بتواند بر بحران‌های ناشی از عصر مدرنیته غلبه کند و تکامل مادی و معنوی و سعادت نوع بشر را امکان‌پذیر سازد، پدید آورد.

در چنین وضعیتی، اگرچه هنوز تمدن نوین اسلامی شکل نگرفته، اما زمینه‌های نظری و عملی آن به تدریج فراهم شده است و تداوم آن می‌تواند به ظهور تمدن نوین اسلامی بینجامد. این دوره را از این نظر که فاصله گرفتن از وضعیتی است که در آن تمدن اسلامی در موقعیت ضعیفی قرار داشت و حرکت به سمت وضعیتی روبه رشد و تکاملی برای تمدن اسلامی منطبق با

شرایط کنونی جهان است، دوره گذار تمدنی می‌نامیم. دوره و مرحله گذار، دوره و مرحله حساسی است و درجه آسیب‌پذیری در آن بالاست؛ زیرا این مرحله، مرحله‌ای بی‌ثبات و ناپایدار است؛ می‌توان آن را به سمت وضعیتی بهتر از گذشته سوق داد؛ اما درعین حال این وضعیت می‌تواند بازگشت به عقب و وضعیت بدتر هم داشته باشد. بی‌تفاوتی و بی‌عملی در این وضعیت، ضعف و افول تمدن اسلامی را رقم می‌زند و می‌تواند به بازگشت به عقب منتهی شود؛ اما با آینده‌نگاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و هدایت امور در شرایط گذار، می‌توان به سمت وضعیت مطلوب تمدنی پیش رفت و تمدن نوین اسلامی را ایجاد کرد.

۲- روش و چهارچوب مفهومی

روش و چهارچوبی که در این مقاله برای تحلیل وضعیت جهان اسلام برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی انتخاب شده، روش سوات است. روش‌های آینده‌پژوهی، متعدد و متنوع‌اند که برای مطالعه و شناسایی آنها دسته‌بندی‌های مختلفی از این روش‌ها صورت گرفته است. در این دسته‌بندی‌ها، روش‌های آینده‌پژوهی از نظر قابلیت و کارآمدی، به چهار گروه و رویکرد تقسیم شده‌اند: الف) رویکرد شناسایی موضوعات؛^۳ ب) رویکرد برون‌یابانه؛^۴ ج) رویکرد خلاق؛^۵ د) رویکرد اولویت‌بندی^۶ (حاجیان و قصاص، ۱۳۹۲: ص ۴۱-۴۰).

روش سوات، روشی با رویکرد شناسایی موضوعات است. در این روش تلاش می‌شود تا موضوعات، مسائل و چالش‌های پیش‌رو شناسایی و معرفی شوند تا وضعی که در آن به سر می‌بریم، به دقت و با تمام جزئیات، توصیف و تحلیل شود. بنابراین، روش سوات یک چهارچوب مفهومی برای تحلیل وضعیتی است که در آن به سر می‌بریم.

نام روش سوات، از حروف اول چهار کلمه تشکیل شده است: قوت‌ها (Strength)؛ ضعف‌ها (Weakness)؛ فرصت‌ها (Opportunity) و تهدید (Threat). با این روش، تلاش می‌شود تا نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود معرفی و شناسایی شده، راهبردهای مناسب برای رسیدن به وضع مطلوب اتخاذ شود (امانی، ۱۳۸۹: ص ۲). سوات، روشی رایج در مطالعات استراتژیک و آینده‌پژوهی است. این روش، ابزار و چهارچوبی تحلیلی برای دسته‌بندی عوامل مختلف مؤثر بر وضعیت موجود است. سوات در ابتدا برای تحلیل وضعیت سازمان‌ها به کار گرفته شد؛ اما به تدریج کاربرد گسترده‌ای یافت و به عنوان روشی توانمند برای تحلیل وضعیت یک جامعه و یک کشور نیز به کار رفت.

در روش سوات، یک سازمان، جامعه یا کشور، دارای یک محیط داخلی و یک محیط خارجی فرض می‌شود. وضعیت آنها، هم تحت تأثیر محیط داخلی و هم تحت تأثیر محیط خارجی است.

3- Identifying Issue

4- Extrapolative Approaches

5- Creative Approaches

6- Classification / Prioritization Approach

عوامل مهم و تأثیرگذار، در محیط داخلی و خارجی عمل می‌کنند و بر وضعیت سازمان، جامعه یا کشور تأثیر می‌گذارند. این عوامل تأثیرگذار، به دو دسته تقسیم می‌شوند: عواملی که آسیب‌رسان و صدمه‌زننده‌اند^۷ و در راه دستیابی به اهداف، مانع ایجاد می‌کنند و رسیدن به هدف را دشوار می‌سازند؛ و عواملی که کمک‌رسان‌اند^۸ و به هموار شدن مسیر دستیابی به اهداف کمک می‌کنند و فرایند دستیابی به اهداف را سرعت می‌بخشند و طی شدن آن را آسان می‌سازند.

عوامل آسیب‌رسان و عوامل کمک‌کننده، هم در محیط داخلی و هم در محیط خارجی هستند و در هر دو محیط باید شناسایی شوند. عوامل آسیب‌رسان داخلی با عنوان نقاط ضعف، و عوامل آسیب‌رسان در محیط خارجی با عنوان تهدیدها شناخته می‌شوند. عوامل کمک‌کننده داخلی نیز با عنوان نقاط قوت، و عوامل کمک‌کننده موجود در محیط خارجی با عنوان فرصت‌ها معرفی می‌شوند. مجموعه این عوامل، در کنار هم بر وضعیت‌ها تأثیر می‌گذارند و وضعیت‌های آینده را رقم می‌زنند. باتوجه به این توضیح درباره روش سوات، این روش را می‌توان در نموداری که در جدول ۱ نشان داده شده است، تنظیم کرد:

جدول ۱. نمودار روش سوات (SWOT)

منشأ	کمک‌کننده‌ها (Helpful)	صدمه‌زننده‌ها (Harmful)
محیط داخلی	قوت‌ها S	ضعف‌ها W
محیط خارجی	فرصت‌ها O	تهدیدها T

سوات، تصویری کلی از وضعیت یک سازمان، جامعه یا کشور ترسیم می‌کند و موضوعات مهمی را که باید مطالعه شوند و در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها در مسیر رسیدن به وضع مطلوب مورد توجه قرار گیرند، ارائه می‌کند. با این روش، می‌توان فهرستی از نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها تهیه کرد تا با در نظر گرفتن عوامل آسیب‌رسان و عوامل کمک‌کننده، به تجزیه و تحلیل وضعیت پرداخت و براساس آن، راهبرد مناسبی طراحی و اجرایی کرد. با طی مراحل که در روش سوات پیش‌بینی شده است، می‌توان با شناسایی عوامل کمک‌کننده و عوامل آسیب‌رسان و ترکیب آنها، چهار نوع راهبرد برای دستیابی به وضع مطلوب استخراج کرد و به کار گرفت (Harrison, 2016: chap.5). این راهبردها را می‌توان در نموداری که در جدول ۲ آمده است، خلاصه و ارائه کرد:

7 - Harmful

8 - Helpful

جدول ۲. نمودار تجزیه و تحلیل وضعیت و اتخاذ راهبردها با روش سوات

عوامل مؤثر محیط داخلی			
عوامل کمک‌کننده	عوامل آسیب‌رسان		
قوت‌ها S	ضعف‌ها W		
فرصت‌ها O	استخراج راهبرد با ترکیب SO: راهبرد استفاده از نقاط قوت برای بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها	استخراج راهبرد با ترکیب WO: راهبرد استفاده از فرصت‌ها برای مقابله با ضعف‌ها	فرصت‌ها O
تهدیدها T	استخراج راهبرد با ترکیب ST: راهبرد استفاده از نقاط قوت برای دفع تهدیدها	استخراج راهبرد با ترکیب WT: راهبرد کمینه‌سازی آسیب‌ها و زبان‌های ناشی از نقاط ضعف و تهدیدها	تهدیدها T

سوات روش مناسبی برای بررسی وضعیت خود در قیاس با دیگران به‌ویژه رقیبان است؛ ازسوی دیگر، ابزار مناسب برای تحلیل وضعیت موجود خود در مقایسه با وضع مطلوبی است که می‌خواهیم به آن دست یابیم. با تصویری که به‌وسیله سوات از وضع موجود ترسیم می‌شود، آینده‌نگاری، راهبردپردازی و سیاست‌گذاری برای رسیدن به وضع مطلوب تسهیل می‌شود؛ به‌ویژه در مرحله‌ای که با عنوان مرحله گذار شناخته می‌شود، با استفاده از روش سوات می‌توان مرحله گذار را به‌سوی وضعیتی بهتر و دستیابی به وضع مطلوب طی کرد.

۳- جهان اسلام مجموعه تمدنی یکپارچه

جهان اسلام محدوده و گستره وسیعی از جهان را دربرمی‌گیرد و جمعیتی بیش از یک‌چهارم جمعیت جهان را در خود جای داده است. مسلمانان در سراسر جهان پراکنده‌اند؛ اما کشورهای اسلامی به‌طور عمده در قاره‌های آسیا و آفریقا هستند. به‌رغم تفاوت‌های کشورهای اسلامی با یکدیگر و باوجود پراکندگی مسلمانان در نقاط مختلف جهان، همه آنها فرهنگ و تمدن مشترکی دارند و حوزه تمدنی واحدی را شکل می‌دهند. ازاین‌رو، جهان اسلام باوجود تفاوت‌های درونی، به‌عنوان مجموعه تمدنی یکپارچه‌ای شناخته می‌شود. این مجموعه تمدنی، با هویت اسلامی تعریف می‌گردد و از مجموعه‌های تمدنی دیگر متمایز می‌شود.

براین‌اساس، وقتی بناست تمدن نوین اسلامی ایجاد شود، این تمدن نه در یک کشور خاص، بلکه در مجموعه تمدنی یکپارچه جهان اسلام باید ایجاد و مستقر گردد. ممکن است برخی کشورها و جوامع اسلامی در این جهت نقش پررنگ و مؤثرتری ایفا کنند؛ اما تلاش‌ها برای تمدن‌سازی، مجموعه جهان اسلام را دربرمی‌گیرد. ازسوی دیگر، ممکن است تمدن نوین پس از شکل‌گیری، مناطق خارج از جهان اسلام و حوزه‌های تمدنی دیگر را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد؛ اما خاستگاه و پایگاه آن جهان اسلام است؛ ازاین‌رو، ظرفیت‌ها و امکانات مادی و معنوی

مجموعه جهان اسلام، به عنوان بنیانها و زیربناهای شکل گیری تمدن نوین اسلامی شناخته می شود و برای بررسی وضعیت موجود به منظور پی بردن به امکان شکل گیری تمدن نوین اسلامی، مطالعه مجموعه تمدنی جهان اسلام ضروری است.

در این صورت و با استفاده از روش سوات، برای ترسیم وضعیت کنونی جهان اسلام و شرایط قبل از شکل گیری تمدن نوین اسلامی به منظور آینده نگاری برای شکل دادن تمدن مطلوب (تمدن نوین اسلامی)، از یک سو باید به شناسایی آسیب ها و موانعی که مانع شکل گیری تمدن نوین اسلامی می شوند، پرداخت؛ و از سوی دیگر، عوامل مؤثر و کمک رسان برای تحقق تمدن نوین اسلامی را استخراج کرد. شناسایی نقاط ضعف درونی جهان اسلام و تهدیدهای محیط بیرونی که در برابر آنها وجود دارد از یک سو، و مشخص کردن نقاط قوت جهان اسلام و فرصتهایی که در محیط خارجی آن وجود دارد از سوی دیگر، امکان تحلیل وضعیت جهان اسلام را در مرحله گذار به دست می دهد و امکان آینده نگاری و سیاست گذاری برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم می سازد.

۴- عوامل کمک رسان و تقویت کننده شرایط ظهور تمدن نوین اسلامی

بر اساس روش سوات، برخی عوامل به عنوان عوامل کمک رسان و تقویت کننده فرایندها و تلاش ها برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی به شمار می آیند. این عوامل، در محیط درونی جهان اسلام به عنوان نقاط قوت، و در محیط بیرونی جهان اسلام به عنوان فرصت ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی شناخته می شوند.

۴-۱- نقاط قوت جهان اسلام برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

اگر جهان اسلام را یک مجموعه فرهنگی و تمدنی یکپارچه در نظر بگیریم، این مجموعه ابزارها، امکانات، توانمندی ها و ظرفیت های مادی و معنوی بالفعل و بالقوه فراوانی در اختیار دارد که به کار گرفتن آنها در مسیر تمدن سازی می تواند تأثیرات چشمگیری در ایجاد تمدن نوین اسلامی داشته باشد. از این رو، جهان اسلام نقاط قوت فراوانی دارد که می تواند فرایند ساختن تمدن نوین اسلامی را قوت و سرعت بخشد.

بخش مهمی از آنچه به جهان اسلام ظرفیت و توان تمدن سازی داده و موجب شده است یکی از تمدن های بزرگ در تاریخ بشری شکل بگیرد، در جوهره و ذات دین اسلام نهفته است. اسلام دینی است با ویژگی های منحصر به فرد، که این ویژگی ها به این دین توان و امکان تمدن سازی می دهد. از این رو و با توجه به تجربه تاریخی، اسلام دینی تمدن ساز به شمار می آید. این تمدن سازی نیز محدود به یک دوره زمانی نبوده و نیست؛ بلکه در شرایط کنونی جهان نیز به صورت دینی تمدن ساز عمل می کند. از این رو، ویژگی های ذاتی اسلام را می توان به عنوان مهم ترین نقاط قوت مجموعه فرهنگی و تمدنی جهان اسلام به شمار آورد که با برخورداری از

آن می‌تواند در عصر کنونی نیز تمدن‌ساز شود و تمدن نوین اسلامی را بنا نهد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. دین پیونددهنده انسان با خدا و بی‌نهایت و رهایی‌بخش از مجموعه قیدوبندها و وابستگی‌های محدودساز؛

۲. دین دنیا و آخرت؛ دینی که هم به آبادی دنیای انسان توجه نشان می‌دهد و هم حیات بشر را محدود به دنیا نمی‌داند؛ از این رو، به آبادی خانه آخرت نیز توجه و تأکید دارد؛

۳. دین اجتماعی؛ دینی نیست که تنها به امور عبادی بپردازد و از امور مربوط به زندگی اجتماعی انسان فاصله گرفته باشد؛ بلکه با امور اجتماعی زندگی بشر پیوند نزدیک و وثیق دارد؛

۴. دینی با تأکید بر هر دو بعد مادی و معنوی زندگی انسان؛ از نظر اسلام، انسان موجودی دوساحتی است: هم بعد مادی دارد و هم بعد معنوی؛ و در صورت توجه و تکامل هر دو بعد، به سعادت و آرامش می‌رسد. در اسلام، به هر دو بعد توجه و بر آنها تأکید می‌شود؛

۵. دینی با پیام همگانی و جهانی؛

۶. دینی برای همه عصرها و نسل‌ها؛

۷. دین مبتنی بر فطرت پاک انسانی؛

۸. دین مشوق آموختن، تعقل، تدبیر و کشف دنیا‌های ناشناخته؛

۱۰. دین مشوق کار، تلاش، ابتکار، خلاقیت و نوآوری؛

۱۱. دین مشوق عمل صالح و تلاش در مسیر تکامل.

مسلمانان و جهان اسلام، افزون بر برخورداری از دینی با ویژگی‌های مثبت در جهت تمدن‌سازی، امکانات و ظرفیت‌های فراوانی در اختیار دارند. به‌کارگیری مؤثر و سازنده این امکانات، مایه قوت و قدرت جهان اسلام و مسلمانان می‌شود و می‌تواند در فرایند شکل دادن تمدن نوین اسلامی به‌عنوان پیشرانی قدرتمند و مؤثر عمل کند. برخی از این امکانات و ظرفیت‌ها عبارت‌اند از:

۱. جمعیت زیاد، جوان و مستعد؛

۲. بازار مصرف گسترده، که می‌تواند مقوم تولید باشد؛

۳. تسلط بر گلوگاه‌ها و مناطق استراتژیک؛

۴. وسعت و محدوده سرزمینی وسیع؛

۵. موقعیت جغرافیایی مناسب و پیونددهنده سه قاره بزرگ جهان؛

۶. در اختیار داشتن بخش مهمی از منابع انرژی جهان و تسلط بر مناطق دارای منابع انرژی؛

۷. ویژگی‌های فرهنگی مولد قدرت (قدرت سخت و نرم)؛ مانند اיתار و فداکاری و تلاش در راه

تحقق دین؛

۸. شکل‌گیری و تأسیس سازمان‌ها و نهادهای جهان اسلامی، که کشورهای اسلامی با بهره گرفتن از آنها می‌توانند در جهت حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی و شکل دادن تمدن نوین اسلامی اقدام کنند.

۴-۲- فرصت‌های محیطی مؤثر در شکل دادن تمدن نوین سازی

جهان اسلام، افزون بر نقاط قوت درونی، در محیط خارجی خود نیز با فرصت‌های فراوانی روبه‌روست که استفاده از آنها می‌تواند مقوم تلاش‌ها برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باشد. با شناسایی این فرصت‌ها و استفاده از آنها می‌توان فرایند تمدن‌سازی و شکل دادن تمدن نوین اسلامی را تقویت کرد و به آن سرعت بخشید. برخی از این فرصت‌ها را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱. پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی و فراهم شدن امکان برقراری تماس با مردم و ملل مختلف در گوشه و کنار جهان؛
۲. دسترسی آسان و ارزان به رسانه‌ها و ابزارهای انتقال پیام، و به تبع آن، فراهم شدن زمینه مناسب برای تبلیغ اسلام و ارسال پیام اسلام به جهانیان؛
۳. فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات و شکل‌گیری فرایندهای جهانی، و در نتیجه مهیا شدن امکان بهره‌گیری از این وضعیت برای ترویج هنجارها و ارزش‌های اسلامی در سراسر جهان؛
۴. فرو ریختن ساختار عمودی قدرت در جهان و شکل‌گیری ساختاری افقی؛ و در نتیجه پراکنده شدن قدرت در میان ملت‌ها و ضعیف شدن مراکز قدرت به‌عنوان مانع ارتباط و تماس مردم با اسلام و مسلمانان؛
۵. خارج شدن ملت‌ها از سیطره مطلق قدرت‌های حاکم و افزایش اختیار و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری مردم، خارج از چهارچوب‌های تحمیلی حاکمان؛
۶. وجود سازمان‌ها و نهادهای مختلف بین‌المللی که کشورهای اسلامی می‌توانند با بهره گرفتن از فرصت‌های حضور در این سازمان‌ها و نهادها، ضمن طرح دیدگاه‌های اسلامی، در شکل دادن هنجارها، قواعد و ارزش‌های بین‌المللی منطبق با ارزش‌های اسلامی مشارکت و تأثیر داشته باشند.

۵- عوامل آسیب‌رسان و تضعیف‌کننده روند ظهور تمدن نوین اسلامی

در کنار عوامل تقویت‌کننده و کمک‌رسان به فرایند شکل دادن تمدن نوین اسلامی، برخی عوامل در جهان اسلام و محیط بیرون آن وجود دارند که به روند ایجاد تمدن نوین اسلامی آسیب می‌رسانند و این روند را تضعیف می‌کنند. عوامل آسیب‌رسان داخلی به‌عنوان نقاط ضعف جهان

اسلام، و عوامل آسیب‌رسان بیرونی به‌عنوان تهدیدهای فراروی جهان اسلام و تلاش‌ها برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی شناخته و معرفی می‌شوند.

۵-۱- ضعف‌های درونی جهان اسلام برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی

جهان اسلام، اگرچه در درون خود دارای نقاط قوت و قدرت فراوان است، اما گرفتار آسیب‌ها و ضعف‌های بیشماری نیز هست؛ درحالی‌که نقاط قوت به فرایند تمدن‌سازی و تلاش‌ها برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی مدد می‌رسانند، نقاط ضعف جهان اسلام به این فرایند آسیب می‌رسانند و به‌عنوان مانع بر سر راه تمدن‌سازی عمل می‌کنند. برخی از این ضعف‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه و فهرست کرد:

۱. شکاف‌های مذهبی؛ اگرچه تلاش‌هایی برای تقریب بین مذاهب اسلامی صورت گرفته است، اما همچنان شکاف‌های مذهبی در جهان اسلام به‌عنوان یک عامل ضعیف‌کننده قدرت جهان اسلام ایفای نقش می‌کنند؛

۲. ارائه روایت‌ها و الگوهای متفاوتی از اسلام به‌عنوان الگوی مناسب برای اداره جامعه و تأمین سعادت و رفاه جامعه. روایت‌های ترکیه‌ای، عربستانی، ایرانی یا مصری از الگوی اسلامی، ازجمله این الگوهاست که هرکدام راه و روش متفاوتی را ارائه می‌کنند؛

۳. شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی بین کشورهای اسلامی در جهان اسلام؛

۴. نظام‌ها و ساختارهای سیاسی متفاوت و ناسازگار با یکدیگر در جهان اسلام؛

۵. رویکردها، راهبردها و جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوت حکومت‌ها در جهان اسلام؛

۶. بی‌ثباتی درونی نظام‌های سیاسی و در نتیجه تغییرات پی‌درپی و تداوم نیافتن سیاست‌ها و برنامه‌ها؛

۷. اقتصاد سیاسی متفاوت، اقتصادهای رقیب و نظام‌های اقتصادی غیرمکمل؛

۸. محدود ماندن ارتباطات در درون جهان اسلام، و پیوند و ارتباط کشورهای اسلامی با خارج از جهان اسلام؛

۹. فقر و ضعف اقتصادی بسیاری از کشورهای اسلامی، و نظام‌های اقتصادی ناکارآمد در رفع مشکلات اقتصادی؛

۱۰. مداخله و نفوذ قدرت‌های بزرگ در تعداد زیادی از کشورهای اسلامی و تحت‌تأثیر قرار دادن رویکردها و راهبردهای آنها؛

۱۱. اختلافات و منازعات مداوم مرزی و سرزمینی بین کشورهای اسلامی.

۵-۲- تهدیدها برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

در مقابل فرصت‌هایی که در محیط بیرونی جهان اسلام برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی وجود دارد، تهدیدهایی نیز در این مسیر خودنمایی می‌کنند. درحالی‌که فرصت‌ها به تلاش‌ها

برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی در جهت رسیدن به هدف کمک می‌کنند، تهدیدها به صورت مانع بر سر راه این تلاش‌ها عمل می‌کنند و بازدارنده حرکت به سمت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی‌اند. برخی از موانع عبارت‌اند از:

۱. تصویرپردازی نامناسب از اسلام (اسلام، دینی ارتجاعی و متعلق به قرون گذشته؛ ناتوان در حل مسائل و پاسخگویی به تقاضاها و تأمین نیازهای بشر؛ ناقض حقوق بشر و مروج خشونت و ترور؛ ناقض صلح و مبلغ جنگ)؛

۲. تصویرپردازی نامناسب از مسلمانان و معرفی آنها به عنوان تروریست و تهدید؛

۳. هجمه و شبیخون فرهنگی برضد فرهنگ اسلامی و تلاش برای استحاله فرهنگی در جهان اسلام؛

۴. رویارویی و خصومت قدرت‌های بزرگ با اسلام و تلاش و برنامه‌ریزی آنها برای مقابله با جهان اسلام و ضعیف نگه‌داشتن مسلمانان؛

۵. وجود رقیب قدرتمند مجهز و برخوردار از مجموعه‌ای متنوع از ابزارهای پیشرفته؛

۶. صهونیسیم و طرح و نقشه آن در اسلام‌ستیزی و مقابله با کشورهای اسلامی؛

۷. فرایندها و تلاش‌ها برای ترویج سکولاریسم و حذف دین از زندگی بشر؛

۸. وابستگی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بزرگ و بازیگران خارج از جهان اسلام، و به تبع آن تحت فشار قرار داشتن کشورهای اسلامی و آسیب‌پذیری آنها.

۶- راهبردپردازی و ارائه راهکار برای عبور از مرحله گذار و تشکیل تمدن نوین اسلامی

باوجود تمام ضعف‌ها و تهدیدها، و باتوجه به نقاط قوت جهان اسلام و فرصت‌هایی که در محیط جهانی برای حوزه تمدنی اسلامی وجود دارد، می‌توان با اتخاذ راهبردهای مناسب، راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموار ساخت. راهبردهایی را که می‌توانند گذر از مرحله کنونی را آسان سازند و تحقق تمدن نوین اسلامی را امکان‌پذیر کنند، باتوجه به روش تجزیه و تحلیل سوات، می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی و ارائه کرد و براساس آنها عمل نمود. این چهار گروه از راهبردها عبارت‌اند از:

الف) راهبردهایی که براساس آنها تلاش می‌شود با استفاده از نقاط قوت جهان اسلام و بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی، برای زمینه‌سازی و شکل دادن تمدن نوین اسلامی اقدام شود؛ برای مثال، راهبرد استفاده از فرصت‌هایی که فناوری ارتباطی و گسترش ارتباطات در اختیار بشر قرار داده است، برای عرضه اسلام واقعی به جهانیان و معرفی دین اسلام به عنوان دینی که توانایی پاسخگویی به نیازها و حل بحران‌هایی را که بشر امروز گرفتار آن شده است، دارد؛ یا راهبرد استفاده از فرصت‌هایی که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در اختیار قرار می‌دهند، برای مشارکت در هنجارسازی‌های بین‌المللی براساس اصول و ارزش‌های جهان‌شمول و منطبق بر فطرت انسانی اسلام؛

ب) راهبردهایی که در آنها تلاش می‌شود با استفاده از فرصت‌های محیطی، نقاط ضعف برطرف شوند و از تأثیرات منفی آنها کاسته شود؛ برای مثال، راهبرد استفاده از ارتباطات بین‌المللی، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای حل اختلافات و شکاف‌های موجود در جهان اسلام؛ یا راهبرد بهره گرفتن از تغییر ساختار عمودی قدرت و برقراری ارتباط بین ملت‌ها برای مقابله با نفوذ و سیطره قدرت‌های بزرگ ذی‌نفوذ در جهان اسلام و کشورهای اسلامی؛

ج) راهبردهای که در آنها تلاش می‌شود با استفاده بهینه از نقاط قوت جهان اسلام، برای مقابله با تهدیدها و خنثی‌سازی اثرات منفی آنها اقدام شود؛ برای مثال، راهبرد معرفی چهره واقعی اسلام برای مقابله با تصویرسازی‌های نامناسب از اسلام و مسلمانان؛ یا راهبرد معرفی دین اسلام به‌عنوان دینی اجتماعی برای مقابله با تلاش‌هایی که درصددند اسلام‌زدایی کنند و جهان را به‌سمت سکولاریسم و لائسیسم پیش ببرند؛ یا راهبرد استفاده از توانمندی‌ها، سازمان‌ها و نهادهای درون جهان اسلام برای کاستن از وابستگی کشورهای اسلامی و مقابله با سلطه قدرت‌های بزرگ بر جهان اسلام.

د) راهبردهایی که با آنها تلاش می‌شود از تأثیرات منفی نقاط ضعف درونی و تهدیدهای محیطی، به‌موازات هم کاسته شود و از تشدید ضعف‌ها در نتیجه فعال شدن تهدیدها جلوگیری گردد؛ برای مثال، راهبرد وحدت اسلامی و کاستن از اختلافات مذهبی با هدف غلبه بر اختلافات درونی و مقابله با سیاست‌ها و تلاش‌های تفرقه‌افکنانه بیرونی؛ یا راهبرد همسو و هماهنگ‌سازی مواضع کشورهای اسلامی در مسائل جهانی و بین‌المللی برای دفع ضعف ناشی از رویکردهای متفاوت، و مقابله با تهدیدهای ناشی از اسلام‌ستیزی و تلاش قدرت‌ها برای ضعیف نگه‌داشتن جهان اسلام.

۷- نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت جهان اسلام به‌عنوان یک مجموعه تمدنی، نشان می‌دهد که جهان اسلام در مسیر حرکت به‌سمت تمدن نوین اسلامی، از نقاط قوت فراوانی برای شکل دادن تمدن نوین اسلامی برخوردار است. افزون‌براین، در این مسیر فرصت‌های فراوانی پیش‌روی جهان اسلام است که می‌تواند با بهره گرفتن از آنها راه خود به‌سمت تمدن نوین را طی کند؛ در مقابل، جهان اسلام ضعف‌های فراوانی هم دارد و در مسیر خود به‌سوی تمدن نوین اسلامی با تهدیدهای بزرگی نیز روبه‌روست. نقاط قوت و فرصت‌های پیش‌رو، حرکت جهان اسلام به‌سوی تمدن نوین اسلامی را تقویت می‌کند؛ اما نقاط ضعف و تهدیدهای موجود، بازدارنده حرکت‌هایی است که برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی آغاز شده است. در چنین فضایی باید جهان اسلام را در مرحله گذار به تمدن نوین اسلامی دانست. در این مرحله، اگر نقاط ضعف بر طرف نشود یا بر نقاط قوت غلبه کنند و تهدیدهای موجود کارگر افتند، فرایند حرکت به‌سمت تمدن نوین اسلامی، نه تنها ضعیف می‌شود، بلکه امکان پسرفت و سوق یافتن به‌سمت ضعف و انحطاط

وجود دارد. ازاین‌رو، آینده‌نگاری و طراحی راهبرد دستیابی به تمدن نوین اسلامی ضروری است. بدین منظور باید با اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مناسب و با استفاده از نقاط قوت و بهره‌گیری از فرصت‌ها، حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را تقویت کرد؛ ازسوی دیگر، کوشید نقاط ضعف را برطرف و تهدیدهای موجود را دفع نمود. دراین صورت، جهان اسلام می‌تواند مرحله گذار را به سمت تکامل طی کند و به مرحله تمدن نوین اسلامی وارد شود.

کتابنامه

۱. ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه ابن‌خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران. علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.
۲. اکبری، مرتضی و فریدون رضایی. (۱۳۹۳). «واکاوی شاخص‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». دوفصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی. سال ۳. شماره ۵.
۳. امانی، عبدالرضا. (۱۳۸۹). نگرشی به روش تحلیلی SWOT. قابل دریافت از: <http://kharazmi-statistics.ir/Uploads/Public/MY%20article/negareshbaraveshsowt.pdf>
۴. پهلوان، چنگیز. (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن. تهران. نی.
۵. حاجیانی، ابراهیم و محمود قصاع. (۱۳۹۲). «آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روش‌ها و دسته‌بندی سناریوها». فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۲. شماره ۸.
۶. دورانت، ویل و آریل دورانت. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن. ترجمه جمعی از مترجمان. تهران. علمی و فرهنگی.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران. دانشگاه تهران.
۸. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۴). «تمدن نوین اسلامی: بنیادها و چشم‌اندازها». در: مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران. دانشگاه شاهد.
۹. روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۹). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران. عطار.
۱۰. عروتنی موفق، اکبر. (۱۳۸۵). «پیامبر اعظم، بنیان‌گذار تمدن اسلامی». معرفت. شماره ۱۱۰.
۱۱. عسگری خانقاه، اصغر و محمدشریف کمالی. (۱۳۷۸). انسان‌شناسی عمومی. تهران. سمت.
۱۲. فیضی‌پور، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). «فلسفه سقوط حکومت‌ها و تمدن‌ها از نگاه قرآن». تبیان. شماره ۶۶ و ۶۷.

۱۳. گولد، جولیوس و ویلیام کولب. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران. مازیار.

۱۴. معین، محمد. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی. تهران. امیرکبیر.

15. Harrison, Jeffrey P. (2016). **Essentials of Strategic Planning in Healthcare (Gateway to Healthcare Management)**, Paperback, March 31.

